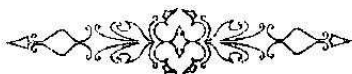


حُکم حکم

انشاء رأی داوری



مؤلفان:

محمد رضا عطایی

مهدی رضائی مفرد

مآئده چینی ساز

سرشناسه: عطایی، محمدرضا، ۱۳۶۴-

عنوان قراردادی: ایران. قوانین و احکام

Iran. Laws, etc.

عنوان و نام پدیدآور: حکم حکم انشاء رای داوری / مولفان محمدرضا عطایی، مهدی رضائی مفرد، مائده چینی ساز.

مشخصات نشر: تهران: پژواک عدالت، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۱۶۹ ص.

ISBN: 978-622-7042-75-7

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۵۵؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: داوری و جزا -- ایران

موضوع: Arbitration and award -- Iran

موضوع: داوری و جزا

موضوع: Arbitration and award

شناسه افزوده: رضائی مفرد، مهدی، ۱۳۷۴-

شناسه افزوده: چینی ساز، مائده، ۱۳۶۲-

رده بندی کنگره: KMH۱۸۲۹

رده بندی دیویی: ۳۴۷/۵۵۰۹

شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۷۱۵۷۸

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیا

حکم حکم : انشاء رأی داوری

مؤلفان: محمدرضا عطایی، مهدی رضائی مفرد، مائده چینی ساز

ناشر: پژواک عدالت

چاپ اول: پاییز ۱۴۰۰ - تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۷۰۴۲-۶۲۲-۹۷۸-۷۵-۷

قیمت: ۴۰ هزار تومان

فهرست

- پیشگفتار: از داور تا رأی داوری..... ۱
- گفتار یکم: ماهیت رأی داوری..... ۱۱
- پاره یک: ویژگی‌های رأی داوری..... ۱۳
- پاره دو: تفاوت رأی داوری با نظریه کارشناسی و حکم دادگاه..... ۱۵
- پاره سه: هر تصمیم داور رأی نیست..... ۱۷
- پاره چهار: زوال داوری..... ۱۹
- پاره پنج: فراغ داور..... ۲۰
- پاره شش: اعتبار امر مختوم..... ۲۱
- گفتار دوم: اقسام رأی داوری..... ۲۳
- پاره یک: رأی سازشی..... ۲۵
- پاره دو: رأی مقدماتی..... ۲۹
- پاره سه: رأی جزئی..... ۳۱
- پاره چهار: رأی نهایی..... ۳۷
- پاره پنجم: رأی غیابی..... ۳۸
- پاره شش: رأی اصلاحی..... ۴۰
- پاره هفت: رأی تفسیری و رأی تکمیلی..... ۴۲
- پاره هشت: رأی بر اساس قواعد انصاف..... ۴۶
- گفتار سوم: الزامات رأی داوری..... ۴۹
- پاره یک: الزامات شکلی..... ۵۱
- پاره دو: موجه و مدلل بودن..... ۶۱
- پاره سه: عدم مخالفت با قوانین موجد حق..... ۶۶
- گفتار چهارم: مسیر رأی داوری..... ۷۵
- پاره یک: اعتبار رأی داوری..... ۷۷
- پاره دو: اجرای رأی داور..... ۸۲
- پاره سه: اعتراض به رأی داور..... ۹۰

گفتار پنجم: ساختار رأی داوری

۹۹	پاره یک: محتوای رأی داوری
۱۰۲	پاره دو: اجزای رأی داوری
۱۰۵	پاره سه: شناسنامه رأی داوری
۱۰۷	پاره چهار: فهرست رأی داوری
۱۱۰	پاره پنج: بدنه رأی داوری
۱۱۱	پاره شش: گردش کار
۱۱۵	پاره هفت: ملاحظات شکلی
۱۱۷	پاره هشت: رأی ماهیتی
۱۲۱	پاره نه: بخش اجرایی رأی داوری
۱۲۹	پاره ده: توصیه‌های تکمیلی

گفتار ششم: نگارش رأی داوری

۱۳۵	پاره یک: پیراستگی و جذابیت دیداری
۱۳۸	پاره دو: عددنویسی
۱۴۱	پاره سه: غلط ننویسیم
۱۴۲	پاره چهار: نشانه‌گذاری
۱۴۳	پاره پنج: پاورقی
۱۴۶	پاره شش: توصیه‌های نگارشی

پس گفتار: آخرین مرحله رأی داوری

۱۴۸	منابع
۱۵۵	

پیشگفتار: از داور تا رأی دآوری

داوری اگر چه کهن‌ترین شیوه حل و فصل اختلاف جامعه انسانی به شمار می‌رود، در جامعه امروزه از مدرن‌ترین شیوه‌ها محسوب می‌شود. عمر این نهاد دیر پا به ابتدایی‌ترین جرقه‌های مدنیت در جوامع بشری برمی‌گردد؛ پیش از آنکه دولت به وجود آید یا در جوامع بشری قانونی وضع شود یا دادگاهی تشکیل شود یا قضات اصول حقوقی را طراحی و پایه‌ریزی کنند، دآوری به عنوان راهکار حل اختلافات بین انسان‌ها وجود داشته است.^۱ در گذر زمان، دآوری به دلیل کارایی که از خود نشان داد، نه تنها از میان نرفت، بلکه هر روز بر اعتبار آن افزوده شد.

با ظهور دین مبین اسلام، بسیاری از شیوه‌های دوران جاهلیت، از سوی شارع مقدس منسوخ شده و از میان رفتند، اما فقه اسلامی، دآوری را در کنار قضاوت نشانده و دو نوع قاضی را توصیف می‌کند: «القاضی نوعین: القاضی المنصوب و القاضی التحکیم»^۲ [=ترجمه: قاضی بر دو نوع است: قاضی منصوب و داور] دآوری در فقه اسلام نوعی قضاوت محسوب می‌شود و به حکمیت یا تحکیم معروف است و داور را چون به حکمیت می‌پردازد، حکم می‌نامند.

در نظام حقوقی ما با تصویب قوانین موقتی اصول محاکمات حقوقی توسط کمیسیون قوانین عدلیه به تاریخ ۱۸ آبان ۱۲۹۰ [برابر با ۱۹ ذی‌القعدة ۱۳۲۹ قمری] دآوری یا عنوان حکمیت در باب هفتم این قانون قرار گرفت، پس از آن قانون حکمیت مصوب ۲۹ اسفند ۱۳۰۶ و قانون حکمیت مصوب ۲۰ بهمن ۱۳۱۳ به موضوع دآوری اختصاص داشتند، با تصویب قانون آئین دادرسی مدنی در ۲۵ شهریور ۱۳۱۸ قوانین قبلی نسخ و باب هفتم این قانون به دآوری اختصاص داده شد.

با توجه به اهمیت دآوری در حوزه فراملی، ۲۶ شهریور ۱۳۷۶ قانون دآوری تجاری بین‌المللی از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت که مبنای دآوری بین‌المللی در نظام حقوقی ایران است؛ و پس از تصویب قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در

امور مدنی در ۲۱ فروردین ۱۳۷۹ باب هفتم این قانون، مبنای داوری داخلی قرار گرفت. تاکید بر داوری در نظر قانون گذار تا آنجاست که در قوانین دیگر نیز به آن پرداخته، به طور نمونه در قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ ماده در خصوص اجرا و تفسیر رای داوری مقرر شده و در ماده ۶ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ که با توجه به نام آن در خصوص نحوه تشکیل دادگاه های کشور است آمده: «طرفین دعوا در صورت توافق می توانند برای احقاق حق و فصل خصومت به قاضی تحکیم مراجعه نمایند».

داوری در لغت چندین معنا دارد که یکی از آنها قضاوت است؛ و کسی که به داوری می پردازد را داور می گویند. داور از اسامی الهی و به معنای پادشاه عادل و قاضی نیز به معنی شده^۱، فرهنگ روز سخن با نگاهی که به علم حقوق نزدیک تر است در معنای داور آورده: هر یک از اشخاصی که طرفین دعوا برای حل اختلاف به طریقه غیر رسمی انتخاب می کنند، حکم، قاضی^۲. به نظر می رسد این کلمه در ابتدا «دادور» بوده به معنی صاحب داد، پس به جهت تخفیف دال ثانی را حذف کردند^۳. برخی نیز معتقدند به داوری «دادیه» (Dadieh) نیز می گفتند.^۴

در عالم حقوق، داوری را فصل خصومت به توسط غیر قاضی و بدون رعایت تشریفات رسمی رسیدگی دعاوی^۵ معنی کرده اند. در زبان انگلیسی Arbitration معادل داوری است و به این صورت تعریف شده است: «روشی برای حل اختلاف که شامل توافق بر بررسی یک یا چند نفر ثالث که صاحب حق نیستند می شود، طرفین اختلاف با نظر آنها موافقت کرده و تصمیم آنها لازم الاجرا است»^۶. همچنین آورده شده: «حل و فصل اختلاف توسط شخص یا اشخاصی غیر از قاضی که تصمیم آنها لازم الاجرا است. به این شخص داور گفته می شود. ارسال اختلاف برای تصمیم گیری در بیشتر حالات نتیجه

۱- انصاف بور، ۱۳۸۴: ۴۱۷

۲- انوری، ۱۳۸۹: ۵۲۱

۳- دمخدا، ۱۳۹۹- به نقل از غیات اللغات

۴- نیل مکنزی، ۱۳۷۸: ۶۰

۵- جعفری لنگرودی، ۱۳۹۸: ۲۹۴

موافقت‌نامه یا شرط داوری در یک قرارداد است.^۱

فرهنگ حقوقی آکسفورد در شرحی طولانی به تعریف داوری پرداخته: «حل اختلاف توسط یک یا چند شخص ثالث مستقل (داوران) به جای دادگاه. داوران توسط طرفین مطابق با شرایط موافقت‌نامه داوری یا به طور پیش‌فرض [در قرارداد] منصوب می‌شوند. داور موظف است قانون را دقیقاً اعمال کند اما به طور کلی ممکن است با هر روشی که انتخاب کند، اتخاذ تصمیم نماید و به برخی از قوانین مقید نباشد، اما باید مطابق با قوانین عدالت طبیعی باشد».^۲

از دیدگاه قانونی، قانون آئین دادرسی مدنی در تعریف صریح داوری سکوت کرده، در این حال با عنایت به ماده ۴۵۴ این قانون که مقرر کرده: «کلیه اشخاصی که اهلیت اقامه دعوا دارند می‌توانند با تراضی یکدیگر منازعه و اختلاف خود را خواه در دادگاه‌ها طرح شده یا نشده باشد و در صورت طرح در هر مرحله‌ای از رسیدگی باشد، به داوری یک یا چند نفر ارجاع دهند». می‌توان چنین برداشت کرد: داوری ارجاع حل منازعه و اختلاف از سوی اشخاص دارای اهلیت اقامه دعوا به یک یا چند نفر منتخب خودشان خارج از مسیر قضایی است که پیش از طرح دعوا در دادگاه یا در هر مرحله از رسیدگی قضایی می‌توانند بر آن توافق کنند. اما قانون داوری تجاری بین‌المللی در بند الف ماده ۱ به تعریف داوری پرداخته: «داوری عبارت است از رفع اختلاف بین متداعیین در خارج از دادگاه به وسیله شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی مرضی‌الطرفین و یا انتصابی».

با توجه به تعاریف فوق می‌توان نتیجه گرفت داوری نوعی از دادرسی خصوصی است که با توافق طرفین اختلاف به اشخاصی که از سوی دولت منصوب نشده‌اند واگذار می‌شود. همین وجه خصوصی بودن سبب شده است که قانون‌گذار کلیه قضات و کارمندان اداری شاغل در محاکم قضایی را از داوری منع (ماده ۴۷۰ ق.آ.د.م) و برای داوری کارمندان دولت در حوزه مأموریت آنان محدودیت‌هایی مقرر نماید. (ماده ۴۶۹ ق.آ.د.م)